



لهستان در دو جبهه می‌جنگد

زمانی بود که لهستان یکی از صریح‌ترین حامیان اوکراین به شمار می‌رفت. اما دولت این کشور حالا با جنگ‌های خود روبه‌رو شده است: چنانچه لهستان تلاش می‌کند تا حق حاکمیت خود مقابل روسیه را تضمین کند، سیاستمداران لهستانی در شیوه‌بر خورد با اوکراینی‌هایی که لهستان را به‌عنوان خانه خود انتخاب می‌کنند، اختلاف‌نظر دارند. این چالش، تأثیر لهستان در تلاش‌های جنگی اوکراین را تضعیف کرده، سیاست خارجی لهستان را محدود کرده و متحدان کلیدی لهستان را نامطمئن از موضع این کشور در قبال اوکراین باقی گذاشته است. برای اروپایی‌ها، رخوت داخلی لهستان کل تلاش‌های کشورهای غربی را عملاً در مقابله با اقدامات روسیه در یکی از مهم‌ترین لحظات که امنیت اروپایی‌ها را از جنگ سرد رقم می‌زند، تضعیف کرده است.

لهستان جنگ روسیه علیه اوکراین را اولین گام در پروژه امپریالیستی به‌رهبری مسکو می‌بیند که حق حاکمیت لهستان را تهدید خواهد کرد. این امر عملاً به این معناست که لهستان چالش‌های خود علیه توسعه‌گرایی‌های روسیه با مقاومت اوکراین علیه ولادیمیر پوتین را امری برابر می‌داند: دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان در مارس ۲۰۲۵ اعلام کرد که «منافع ملی لهستان نیازمند حمایت صریح و ماندگار از اوکراین در دفاع از خود مقابل حملات روسیه است» و آن را امری «غیرقابل مذاکره» دانست.

به همین ترتیب پس از حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ لهستان حمایت گسترده نظامی و سیاسی ارائه کرده و به همراه متحدان خود، کمک‌ها را بسیج کرده است. لهستان یکی از هاب‌های اصلی لجستیکی در اروپا برای دفاع و کمک‌های بشردوستانه است. ۸۰ درصد از کمک‌های اهدایی نظامی از این کشور عبور می‌کنند. بین سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴، لهستان ۴۰ میلیارد یورو (۱/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی) را صرف دفاع و کمک‌های بشردوستانه برای اوکراین از جمله تأمین هزینه‌های پناهجویان اختصاص داد. این کشور تا امروز ۴۷ بسته کمکی نظامی را ارسال کرده که با وجود خطر حملات روسیه به اراضی لهستان همچنان ادامه پیدا کرده است. لهستان همچنین از نظر دیپلماتیک اقداماتی علیه روسیه انجام داده است: در جولای ۲۰۲۴، دونالد توسک یک توافقنامه امنیتی دوجانبه را با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین امضا کرد تا کمک‌های نظامی، همکاری صنایع دفاعی و حمایت از عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا را فراهم کند. لهستان همچنین به‌طور مثال در «گروه تماس دفاعی اوکراین» مشارکت دارد و تحریم‌های خود را علیه روسیه اعمال کرده است.

با این حال لهستان صراحتاً اعزام سربازان را بر اساس چندین نگرانی استراتژیک و عملیاتی رد کرده است. اول، رویکرد رفتاری ورشو نماد حفظ صلح یا نیروهای اطمینان‌بخش برای مقابله با حجم تهدیدی که روسیه ایجاد می‌کند، کافی نیست و می‌تواند ابتکارهای بازدارندگی معنادار را از خط خارج کند.

در عوض لهستان از استراتژی جامع مهار، حول محور ناتو، استقبال می‌کند که می‌تواند روسیه را منزوی کند با عملیات ترکیبی آن مقابله کند و حمایت درازمدت خود را از اوکراین نشان دهد. دیدگاه لهستان این است که اعزام سربازان به توانایی دفاعی کافی برای اوکراین را فراهم می‌کند به به مسکون‌شان می‌دهد که غرب گام‌هایی فراتر از واکنش‌های سمبلیک برای مقابله با اقدامات تشدیدکننده روسیه برداشته است. علاوه بر نگرانی‌های نظامی، دولت لهستان همچنین بر سر حل مسئله اوکراینی‌ها در داخل این کشور دچار شکاف شده است. رفتار عموم مردم لهستانی‌ها بر این باور بودند که ماندن همیشگی اوکراینی‌هایی که هم‌اکنون در لهستان زندگی می‌کنند، برای این کشور خوب است. با این حال در سال ۲۰۲۵، ۸۶ درصد از لهستانی‌ها با اعزام سربازان لهستانی به اوکراین مخالف کردند.

با وجود این اختلافات، این احتمال وجود دارد که هر کسی از رؤسای دولت که علناً اعلام کند سربازان این کشور را به جنگ اعزام می‌کنند، در انتخابات بیزاد، بنابراین سیاست امنیتی لهستان که بر اساس حمایت از اوکراین در مقابل حمله روسیه است، گروگان دوره‌های انتخاباتی شده است. برعکس، دلایل توسک برای عدم اعزام سربازان به اوکراین از نظر عملیاتی و نظامی امری موجه است، حالا این پیام‌های ناپایدار از سوی قدرت ورشو متحدان را نسبت به موضع واقعی لهستان در قبال اوکراین گیج کرده و خطر تضعیف نقش کلیدی آن در امورات امنیتی اروپا را در پی خواهد داشت.



بین‌الملل
INTERNATIONAL



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

در یکی از شب‌های آوریل ۱۹۶۸، زمانی که مارتین لوترکینگ جونیور ترور شد، رابرت اف کندی، سناتور وقت که در آن زمان نامزد ریاست‌جمهوری هم بود، مقابل جمعیتی در شوک فرو رفته و عمدتاً سیاه‌پوست در شهر ایندیاناپلیس در مرکز ایالت ایندیانا گفت: «شاید بهتر باشد بپرسیم که ما چه ملتی هستیم و می‌خواهیم به چه سمتی حرکت کنیم؟»

کندی گفت «شماهایی که سیاه‌پوست هستید» ممکن است تمایل به «انتقام» داشته باشید ولی آمریکا می‌تواند تلاش کند خشونت را «با تلاشی برای درک» واقع‌جایگزین کند. این یکی از بهترین سخنرانی‌های کندی در طول زندگی‌اش است. پس از مرگ مارتین لوتر کینگ، شورش، غارت و آتش‌سوزی عمدی در بیش از ۱۰۰ شهر آمریکا ادامه پیدا کرد و خود کندی هم در ژوئن همان سال در کالیفرنیا ترور شد.

۵۷ سال از این شب می‌گذرد و آمریکا در یکی از قطبی‌ترین لحظات تاریخی پس از ترور چارلی کرک، کنشگر ۳۱ ساله در محوطه دانشگاه در ایالت یوتا قرار گرفته است. چارلی کرک و مارتین لوترکینگ جونیور هیچ نقطه مشترکی با یکدیگر نداشتند اما هر دو تأثیر زیادی بر مخاطبان خود داشتند و قتل‌شان در کشوری رخ داد که لفاظی‌های سیاسی خشونت‌آمیز و خشم احزاب از یکدیگر بالا گرفته بود.

حدوداً ظهر چهارشنبه هفته گذشته بود که چارلی کرک، فعال محافظه‌کار و یکی از افراد پرنفوذ رسانه‌ای در ماجرای سفر خود برای ترویج جوانان آمریکایی به آنچه «تور بازگشت آمریکا» می‌خواند و در دانشگاه‌های سراسر آمریکا برگزار می‌کرد، در دانشگاه یوتا، در فاصله ۳۰ دقیقه‌ای در جنوب سالت‌لیک سیتی روی صحنه رفت. به گزارش نیویورک تایمز، دست‌کم ۳ هزار نفر در این رویداد شرکت کردند. کرک پس از اینکه کلاه‌هایی با شعارهای ترامپ را میان جمعیت پرتاب کرد، زیر چادری روی یک صندلی نشست تا در قالب گفت‌وگو با حضار که کرک آن را «ثابت کنید من اشتباه می‌کنم» عنوان می‌کرد، صحبت کند. چند دقیقه بعد در شرایطی که یکی از حضار با کرک یکی به دو می‌کرد که بگوید در هر کدام از حوادث مربوط به تیراندازی‌های جمعی که در آمریکا اتفاق افتاده به‌ندرت می‌توان فردی تراجنسیتی را نام برد، ناگهان صدای تیراندازی شنیده شد. آنچه بعد از آن اتفاق افتاد توسط دوربین‌های موبایل‌ها از هر زاویه ممکن به ثبت رسیده است. گردن چارلی کرک پر از خون می‌شود و از روی صندلی به زمین می‌افتد. حدوداً ۳۳ ساعت بعد، قاتل شناسایی و دستگیر می‌شود: تایلر رابینسون، مردی ۲۲ ساله، بدون هیچ سابقه کفری، با اینکه انگیزه قتل هنوز مشخص نیست، اما نزدیکان رابینسون می‌گویند که اظهار‌نظرهای اخیر او بیشتر از همیشه لحن سیاسی به خود گرفته بود و حتی از سخنرانی کرک در دانشگاه یوتا ولی نیز ابراز نارضایتی کرده بود.

از سوی دیگر کاربران شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه افرادی که به‌دنبال جذب دنبال‌کنندگان بیشتر بودند بر تئوری‌های توطئه دامن زدند. عده‌ای ادعا کردند که موساد، سازمان اطلاعاتی اسرائیل کرک را به‌قتل رسانده؛ ادعایی که با نگاهی به روند ترورهای موساد می‌توان آن را رد کرد. علاوه بر اینکه کرک یکی از حامیان پر و پا قرص اسرائیل به شمار می‌رفت، موساد معمولاً دست به ترورهایی می‌زند که برای دیگر رهبران جهان پیامی داشته باشد. برخی می‌گویند زمانی که کرک، میزان نفوذ اسرائیل در واشنگتن را زیر سوال برد و انتقادهایی را در این باره مطرح کرد، بنیامین نتانیا‌هو درصدد انتقال مبلغی به سازمان Turning Point USA بوده تا از طرح انتقادهای بیشتر در داخل آمریکا جلوگیری کند اما با این حال هنوز هیچ استدلال محکمی برای تأیید این تئوری‌ها وجود ندارد.

زمانی که مرگ چارلی کرک رسماً اعلام می‌شود، شناخته‌شده‌ترین چهره‌های محافظه‌کار آمریکا غم و انزجار خود را از این حادثه دلخراش ابراز می‌کنند. مگان کلی، مجری سابق فاکس نیوز، روزنامه‌نگار و مفسر سیاسی که هم‌اکنون پادکست خود را دارد بغض کرد؛ گلن یک، تحلیل‌گر سیاسی محافظه‌کار و مجری رادیویی و تهیه‌کننده تلویزیونی هم همینطور. مجری‌های شبکه خبری فاکس نیوز در میانه برنامه تلویزیونی خود یک دقیقه سکوت کردند.

چارلی کرک که بود و چگونه توانست با جذب میلیون‌ها رای‌دهنده جوان آمریکایی به حزب جمهوری خواه برای خود امپراتوری بسازد؟ به گزارش بی‌بی‌سی، جی‌دی‌ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا هنگام تصمیم‌گیری برای ورود به سیاست با یکی از اولین نفراتی که برای مشورت تماس گرفت، چارلی کرک بود. ونس پس از مرگ کرک در پیامی نوشت، کرک کسی بود که افرادی را برای هدایت کمپین‌اش برای مجلس سنا و همچنین دونالد ترامپ جونیور (پسر ترامپ) معرفی کرد. سه سال پس از پیروزی ونس در انتخابات سنا، کرک کسی بود که ونس را به دونالد ترامپ به‌عنوان گزینه‌ای برای معاون ریاست‌جمهوری معرفی کرد.

تحولات
آمریکا



عکس: Getty Images

دو قطب

قتل چارلی کرک این پرسش را شکل داد که دوران

جمهوری خواهان بود. از طرف چپ، کرک یکی از تندروهایی بود که به حقوق شهروندی، حقوق تراجنسیتی‌ها، فمینیسم و اسلام حمله می‌کرد.

چنانچه آمریکایی‌ها بر سر میراث کرک با یکدیگر درگیر شده‌اند، مورخان و پژوهشگران می‌گویند آمریکایی‌ها خودشان باید تصمیم بگیرند که از اتفاقات امروز چه درسی می‌گیرند؛ در واقع مرگ چارلی کرک آزمایشی دیگر برای آمریکایی‌ها خواهد بود.

به گزارش اندیشکده کنتو، ترور چارلی کرک، کنشگر محافظه‌کار در دهم سپتامبر هم شوکه‌کننده بود، هم نبود. ماهیت بی‌شرمانه این کشتار (که مقابل چشمان جمعیت بزرگی در محوطه‌ای باز، با جزئیات دقیق ثبت‌شده توسط تصاویر ویدئویی و فالتی‌که در ابتدا از دست مقامات فرار کرده بود) آن را شوکه‌کننده کرد. اما شخصیت غیرقابل انعطاف‌پذیر و لفاظی‌های کرک و ظهور خشونت سیاسی در ایالات متحده آن را به حادثه‌ای تبدیل کرد که کاملاً قابل انتظار بود. از زمان مرگ کرک، افراد بسیاری درباره مجموعه مداومی از حملات در سراسر طیف‌های ایدئولوژیک نوشته‌اند. اما خیلی‌ها یک سوال ساده در ذهن‌شان دارند: خشونت‌های سیاسی کی و چگونه تمام می‌شوند؟

پس از قتل چارلی کرک، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا چپ‌ها را عامل مرگ کرک دانست. در ساعات اولیه پس از قتل کرک، هیچ اطلاعاتی از اینکه چه کسی با چه انگیزه‌ای کرک را کشته است، وجود نداشت. اما در واشنگتن عده‌ای معتقد بودند که نیازی به کشف حقایق نیست. ننسی میس، نماینده جمهوری خواه از ایالت کارولینای جنوبی مقابل ساختمان کنگره به خبرنگاران گفت: «مسئول اتفاق امروز دموکرات‌ها هستند.» رابینسون عضو هیچ‌کدام از احزاب نبود اما پدر و مادرش عضو حزب جمهوری خواه بودند.

موج فعلی خشونت بااینکه دلسردکننده است اما منحصربه‌فرد نیست. همانند بسیاری از کشورهای غربی، آمریکا هم دوره‌های مشابهی را طی کرده است. تاریخ می‌تواند نوری بر بخشی از مسیرهایی که به کاهش تنش منجر شد، تاباناند. متأسفانه به‌جز شوک ناگهانی و غیرمنتظره، بسیاری از فاکتورهایی که پیشتر باعث مهار دوران خشونت می‌شدند یا دیگر وجود ندارند یا به‌همان اندازه می‌توانند مثل بنزینی در آتش خطر تشدید درگیری

در آن زمان کرک یکی از افراد ثابت حلقه اطرافیان ترامپ را تشکیل می‌داد، حامیان مالی را جذب می‌کرد، در اقامتگاه مارا لاگسو ترامپ درباره استراتژی‌های مورد نیاز صحبت می‌کرد و میزبانی نشست‌های Turning Point USA را که از سوی جمهوری خواهان محلی برگزار می‌شد، برعهده داشت؛ سازمانی که کرک به‌عنوان هم‌بنیانگذار در سال ۲۰۱۲ در اواسط ریاست‌جمهوری باراک اوباما با تمرکز بر کنشگری محافظه‌کاران در دانشکده‌ها تأسیس کرد.

کرک هیچ‌وقت هیچ شغل دولتی نداشت اما از یک کنشگر ناشناخته از حومه شیکاگو به پرچمدار جنبش ماگای دونالد ترامپ تبدیل شد. او پلی میان ترامپ به جوانان جمهوری خواه بود و ترامپ پیروزی خود در انتخابات ۲۰۲۴ را مدیون کرک و سازمانش دانست. داستان زندگی کرک حول رهبری قابل توجه، ترور غیرمنتظره و میراث بحث‌برانگیز می‌چرخد. پس از پیروزی ترامپ در انتخابات کرک همچنان برای جذب جوانان تلاش می‌کرد.

نفوذ کرک در کاخ سفید در دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ به‌طور بحث‌برانگیزی بیشتر شد. دو روز قبل از آنکه ترامپ روی کار بیاید، این دو نفر در مارا لاگو با یکدیگر گلف بازی کردند.

کرک فرزند پدر و مادری محافظه‌کار بود که در یکی از حومه‌های اعیان‌نشین شیکاگو بزرگ شده بود. او هنگام مرگ ۳۱ سال داشت. کزک فعالیت خود در حمایت از سیاست‌های محافظه‌کاران را از سن کم آغاز کرد. با اینکه نوجوانی خود را در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما گذرانده بود اما از کودکی خود را محافظه‌کار می‌دانست و متوجه بود که چرا همکلاسی‌هایش به اوباما علاقه دارند، چرا اوباما می‌تواند مردم را به خود جلب کند و چرا حزب جمهوری خواه مسیر بسیار سختی در پیش دارد. کرک در دبیرستان عضو تیم بسکتبال مدرسه بود اما دل‌باخته راش لیما بود؛ تحلیل‌گر سیاسی محافظه‌کار که تا زمان مرگش در سال ۲۰۲۱ مجری برنامه رادیویی بود. به‌گفته رابرت درپیر، خبرنگار نیویورک‌تایمز، کرک نهن‌ها مجذوب استدلال‌های لیما بلکه جذب فرقه‌ای از سلبریتی‌ها شده بود که لیما آن را ایجاد کرده بود؛ صدایی عجیب و غریب که در هر فرصتی چپ‌ها را مسخره می‌کرد.

آمریکایی‌ها حالا با قتل خشونت‌بار رهبر جوانی روبه‌رو شده‌اند که از درچه‌های کاملاً متفاوتی به او نگاه می‌شد. از طرف راست‌گرایان، کرک الهام‌بخش نسل جدید